

مراحل عبادت

مراحل عبادت

مراحلی را برای عبادت بر شمرده‌اند، که عبارت‌اند از: تکلیف، صحت، قبولی و کمال. این نمازی که می‌خوانیم، روزه‌ای که می‌گیریم، حجی که می‌رویم، خمس و زکاتی که می‌پردازیم، و به طور کلی تکالیفی که خداوند برای سعادت ما قرار داده است، چهار مرحله دارد و در هر مرحله، دارای شرایطی است.

مرحله اول: تکلیف

مرحله اول، تکلیف است، یعنی کودک مسلمان باید به تکلیف برسد تا عبادت بر او واجب شود.

شرایط تکلیف

شرط اول: بلوغ

برای مرحله تکلیف شرایطی وجود دارد. شرط اول تکلیف، بلوغ است. در رساله‌های عملیه آمده است: وقتی دختران نه سال قمری شان تمام می‌شود و پسران وقتی پانزده سال قمری شان تمام می‌شود یا وقتی نشانه‌های دیگری در آن‌ها پیدا می‌شود که در رساله‌های عملی است، به سن تکلیف می‌رسند. البته روان‌شناسانی مانند دکتر قائمی، دکتر گلزاری و یا دکتر شرفی معتقدند، پسران تهرانی بین یازده تا سیزده سالگی بالغ می‌شوند. در این شرایط محیطی که ما الان هستیم، بیش از نود درصد پسران تا پیش از چهارده سالگی بالغ می‌شوند. پس بلوغ، اولین شرط تکلیف است. بچه‌ای که بالغ نشده است، تکلیف ندارد.

عبادت قبل از بلوغ

حال اگر بچه‌ها پیش از این که به بلوغ برسند، عبادتی انجام دهند ثواب دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است. توضیح این که، خداوند برای کارنامه ما مقدمه‌ای پیش از صفحه یک، ایجاد می‌کند. کودکی که روزه می‌گیرد، نماز می‌خواند و صدقه می‌دهد هم در پرونده خود او قبل از صفحه یک، و هم در پرونده پدر و مادر و معلم او ثبت می‌شود.

سؤال دیگر این که: اگر بچه‌ها پیش از اینکه به سن تکلیف برسند خسارتی را وارد کنند، ضمانت دارد؟ برای مثال بچه‌ای هشت‌ساله تویی را شوت کرده و شیشه خانه کسی را می‌شکند؛ آیا او ضامن است؟ بله، ضامن است. اگر پدر یا سرپرستش خسارت را پرداخت که هیچ، وگرنه به محض این که خودش به تکلیف رسید، ضامن است و تا آخر عمر از گردنش برداشته نمی‌شود.

جرم قبل از تکلیف

بچه‌هایی که به تکلیف نرسیده‌اند اگر جرمی مرتکب شوند که از نظر شرعی حد دارد، باید مجازات شوند، مثلاً اگر دشنامی بدهند، که مجازات آن شلاق است. آن بچه نه به اندازه بزرگ‌ترها، بلکه به اندازه‌ای که قاضی تشخیص دهد، تنبیه مختصری می‌شود.

شرط دوم: عقل

شرط دوم تکلیف، عقل است. بچه‌هایی که سفیه‌اند و ضریب هوشی پایینی دارند یا تکلیفی ندارند و یا به اندازه توانشان تکلیف دارند.

شرط سوم: قدرت

سومین شرط تکلیف، قدرت است. انسان باید قدرت داشته باشد تا نماز بخواند، یا روزه بگیرد و یا مکه برود. اگر ناتوانی جسمی یا روحی‌ای دارند که نمی‌تواند روزه بگیرد، روزه گرفتن بر او واجب نیست؛ یا اگر نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، بنشیند و اگر نمی‌تواند بنشیند، بخوابد.

مرحله دوم: صحت

بعد از این که دختر یا پسر مسلمانی به تکلیف می‌رسند؛ یعنی عاقل، بالغ و توانا می‌شوند، باید به همه تکالیفی که بزرگ‌ترها انجام می‌دهند، عمل کنند؛ برای مثال، امر به معروف کنند، نهی از منکر کنند، روزه بگیرند، نماز بخوانند و... .
مرحله دوم عبادت، صحت است؛ یعنی چه کار کنیم که این عبادت صحیح باشد. مطابق فقه شیعه، شرط صحت عبادت این است که مسلمان‌ها از مرجع تقلیدی که جامع شرایط است، تقلید کنند؛ هم چنان که شخص بیمار برای دستورات طبی به پزشک حاذقی مراجعه می‌کند. اگر مشکل و مریضی‌اش خیلی مختصر باشد، به همین دکتر عمومی سر کوجه مراجعه می‌کند، اما اگر قلب یا کبدش بیمار باشد، باید به سراغ متخصص برود. اگر در آن شهر چند متخصص است، عقل می‌گوید باید به سراغ کسی برود که خبرگی بیشتری دارد.

تقلید

بچه‌های ما از همان نه سالگی یا پیش از آن باید توجیه شوند که ما در «اعتقادات» به عقلمان مراجعه می‌کنیم، در «اخلاقیات» به قلبمان مراجعه می‌کنیم، اما در احکام و دستورات دینی از مرجع تقلید پیروی می‌کنیم، تقلید هم یعنی «پیروی کردن».

ادله تقلید

دلیل عقلی

تقلید کردن، کاری منطقی است. همه اقشار جامعه در کارهایی که تخصص ندارند، به متخصصان آن رشته رجوع می‌کنند؛ برای مثال، مردم برای درمان بیماری به اطبا مراجعه می‌کنند، اطباء برای خانه‌سازی به مهندسان مراجعه می‌کنند و مهندسان برای دوخت و دوز به خیاط‌ها مراجعه می‌کنند. بنابراین، تقلید هم پشتوانه عقلانی دارد، هم پشتوانه عرفی دارد و هم دین به آن توصیه می‌کند.

دلیل قرآنی

قرآن می‌فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الدُّرِّ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ اگر نمی‌دانید از آن‌ها که می‌دانند، پرسید. حال، چه کسی بهتر از همه از دین و مسائل آن آگاه است؟ عالمی که عمری گذرانده و فقیه شده است؛ یعنی کسی که می‌تواند مسائل دین را از متون اصلی استخراج کند و استنباط کند. اگر چند نفر بودند چه کار کنیم؟ اگر هم تراز هستند، می‌توانیم به یکی از آن‌ها مراجعه کنیم، اما اگر یکی از آن‌ها سرآمد و اعلم است، به او مراجعه می‌کنیم.

تاریخچه تقلید

از چه زمانی تقلید کردن در شیعه مرسوم شده است؟ در زمان امام صادق (علیه السلام) شیعیانی در شهرهای دوردست زندگی می‌کردند که به امام معصوم دسترسی نداشتند. این افراد از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: احکام شرعی را از چه کسی سؤال کنیم؟ ایشان عالمانی را که نزد خودشان درس خوانده بودند و به آن‌ها اعتماد داشت، به شیعیان معرفی کرد. البته این بدان معنا نیست که آن عالم، معصوم بود، بلکه احتمال خطا و اشتباه نیز وجود داشت؛ با وجود این، امام به مردم فرمود که وظیفه شما تقلید کردن است.

حکم شرعی تقلید

بعضی افراد می‌گویند: از آن‌جا که دارای مدرک فوق‌لیسانس هستیم، درست نیست تقلید کنیم! به این افراد باید گفت، با این که شما فوق‌لیسانس هستید، اما وقتی مریض می‌شوید، به دکتر مراجعه می‌کنید، چرا که شما در زمینه طب اطلاعاتی ندارید. افرادی نیز وجود دارند که نمی‌خواهند تقلید کنند و قصد دارند خودشان متخصص در دین شوند؟ چنین اشخاصی باید فرآیندی را طی کرده و علوم دینی را بخوانند تا از قدرتی برخوردار شوند که بتوانند احکام دین را استخراج کنند. بعضی افراد نیز از روی بی‌اطلاعی می‌گویند: من تابع قرآن هستم و کاری به مرجع تقلید ندارم؛ یا اگر مسئله‌ای را می‌شنود، می‌گوید: اگر این مسئله در قرآن باشد، من تبعیت می‌کنم! این افراد از این نکته غافل‌اند که دین، مجموعه‌ای از قرآن و سنت پیامبر و ائمه (علیهم السلام)، اگر بخواهیم فقط به قرآن تکیه کنیم، حتی همین نماز را هم نمی‌توانیم بخوانیم. چگونگی خواندن نماز، مبطلات نماز، اوقات نماز، تعداد نمازها و... در قرآن نیامده است. جزئیات احکام دیگر مانند: روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و... نیز در قرآن ذکر نشده است. قرآن مانند قانون اساسی است. بنابراین، در کنار قرآن، به سنت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) نیاز داریم تا جزئیات مقررات و دستورات دینی تبیین گردد. امامان معصوم (علیهم السلام) علوم مربوط به مسائل دینی را به شاگردانشان یاد دادند و این علوم سینه به سینه گشته تا به روزگار ما رسیده است. لذا باید از فقهایی که عادل و عالم هستند، پیروی کرد. البته ذکر این نکته لازم است که در اعتقادات، خودمان باید با عقل به حقایق دست یابیم و در اخلاقیات نیز مطابق فطرتی که خدا در نهاد ما قرار داده است، عمل کنیم.

شرایط قبولی عبادت

بعد از این که به تکلیف رسیدیم و نماز و عبادات دیگرمان صحیح بود، به مرحله قبولی عبادت می‌رسیم.

شرایط قبولی

دستورات اسلام در این مرحله، در اوج و بلندای قلّه است. اسلام عزیز همه مسائل زندگی را به عبادت گره زده است. اسلام می‌گوید: اگر می‌خواهید عبادتتان مورد قبول باشد، باید همسرداریتان خوب باشد، باید بچه‌داریتان نیکو باشد. باید کسب و کاسبیتان حلال باشد. باید روابط اجتماعیتان در چارچوب دین باشد و... این مسائل دینی بسیار انسان‌سازند، اما به این مرحله عبادت توجه ناچیزی داریم. روز قیامت از کسانی می‌پرسند: نماز خوانده‌اید؟ می‌گویند: بله؛ حال آن که نمازشان فقط صحیح بوده، اما مورد قبول واقع نشده است.

برای قبولی عبادت چه کاری باید انجام داد؟

حالا که زحمت می‌کشیم، روزه می‌گیریم، خمس می‌دهیم، حج می‌رویم، نماز می‌خوانیم، چه کار کنیم که این مورد قبول واقع شوند؟ برای قبولی نماز و عبادات دیگر، صدها حدیث به دست ما رسیده است. که بیانگر شرایط قبولی عبادات هستند. به بعضی از این شرایط اشاره می‌شود.

پیش از ورود به بحث، این روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مورد توجه قرار می‌دهیم: **كُونُوا بِقَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ اهْتِمَامًا بِالْعَمَلِ**^۲؛ بیشتر به قبولی عمل حساس باشید، تا به خود عمل. به عبارت دیگر، قبولی نماز از خود نماز، قبولی روزه از خود روزه و قبولی حج از خود حج برایتان مهم‌تر باشد.

۱. شرط اعتقادی

ابتدا باید شرایط اعتقادی را در نظر بگیریم. باید به خدا ایمان داشته باشید. به بیانی دیگر، ایمان از شرایط قبولی است: **﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾**^۳؛ هر که ایمان نداشته باشد، عملش ضایع می‌شود. بنابراین، نماز کسی که به عربی صحیح نمازش را می‌خواند، اما به خدا، به اسلام و به انبیا، اعتقاد ندارد، قبول نیست.

۲. شرط اخلاقی (تقوا)

شرط دوم، تقواست. در قرآن کریم آمده: **﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾**^۴؛ خداوند از باتقواها قبول می‌کند. پس معلوم می‌شود گناه، مانع قبولی است. مقابل تقوا، آلودگی و گناه است. در زمان امام صادق (علیه السلام) فردی به خیر بودن و خدمت کار افراد بیچاره بودن، مشهور شده بود. امام صادق (علیه السلام) روزی آن شخص را در بازار دیدند. در آن هنگام، آن شخص

^۲ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۴.

^۳ مائده: ۵.

^۴ مائده: ۲۷.

از مغازه‌ای دو عدد انار و دو قرص نان دزدید. امام (علیه السلام) در پی آن شخص روانه شد تا از ماجرا باخبر شود. آن شخص به محله فقرا رفت؛ آن‌گاه در خانه‌ای را زد و انارها و نان‌ها را به خانواده بیچاره‌ای داد. امام فرمود: «تو چرا این کار را کردی؟ گفت: کار من بر اساس آیات قرآن است. حضرت فرمود: «از کدام آیه قرآن این روش به دست می‌آید؟» گفت: قرآن می‌گوید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛^۵ هر کس کار نیکی به جا آورده، ده برابر آن پاداش، و هر کس کار بدی به جا آورده، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. من دو عدد انار و دو قرص نان دزدیدم و در مجموع چهار گناه انجام دادم. بعد آن چهار عدد انار و نان را به آن بیچاره بخشیدم و ۴۰ ثواب کردم؛ پس ۳۶ ثواب برای من است. امام (علیه السلام) عصبانی شدند و به او فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! مگر این آیه قرآن را نخونده‌ای که: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾.^۶ مگه با مال دزدی می‌توان به مکه رفت؟! مگر با مال دزدی می‌توان به هیئت و یا فقرا کمک کرد؟! نمی‌توان دزدی کرد و آن‌گاه پنجاه درصدش را در راه خیر مصرف کرد؛ این انفاق قبول نیست. در سوره «بقره» آمده: ﴿أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾؛^۷ از مال حلال و طیب، انفاق کنید. با توجه به مطالب پیش گفته، اگر گنه‌کار عبادتی انجام دهد، عبادتش با اشکال مواجه است.

۳. شرط سیاسی

در روایات آمده: «اگر کسی در همه عمر عبادت کند، اما به رهبر سیاسی که خدا او را می‌پسندد اعتقاد نداشته باشد، عبادتش قبول نیست». امام باقر (علیه السلام) فرمود:

يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيهِ غَيْرَ مَقْبُولٍ؛^۸ هر که با عبادتی که خود را در آن به زحمت افکند، دینداری کند، ولی پیشوایی از جانب خدا برای خود نگرفته باشد، کوشش او پذیرفته نیست.

دین فقط بعد فردی ندارد؛ بعد اجتماعی و سیاسی نیز دارد. اعتقاد و هم‌بستگی با رهبر عادل (پیامبر، امام معصوم، ولی فقیه و مراجع تقلید) ما را به خدا می‌رساند و بر قبولی عبادت ما تأثیر می‌گذارد.

در روایات آمده: «فَمَنْ لَمْ يَتَوَكَّلْنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»؛^۹ هر که ولایت ما را [قبول] نداشته باشد، اعمال او بالا نمی‌رود. امام باقر (علیه السلام) نیز فرمودند: «وَمَا تَنَالُ وَلَا تِنَانَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ»؛^{۱۰} کسی به ولایت ما نمی‌رسد، مگر با پرهیز و دوری از گناه.

۴. شرط اقتصادی

معصومان (علیهم السلام) برای قبولی عبادات، شرط اقتصادی را نیز برشمرده‌اند. امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند: «مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلَوَتُهُ»؛^{۱۱} هر که نماز بگزارد اما زکات ندهد نمازش قبول نیست؛ یعنی توجه به بیچارگان و بینوایان، با عبادت گره خورده است. در قرآن «صلاة» و «زکات» در ۲۸ جا کنار هم آمده‌اند.

^۵ انعام: ۱۶۰.

^۶ مائده: ۲۷.

^۷ تفسیر آمل، ج ۵، ص ۱۴۱، ذیل آیه ۱۶۰ سوره انعام.

^۸ کافی، ج ۲، ص ۲۰۳.

^۹ کافی، ج ۱، ص ۴۳۰.

^{۱۰} وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

^{۱۱} بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲.

۵. شرایط اجتماعی

از رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) روایت شده است:

مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ لِصِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ؛^{۱۲} هر کس غیبت مرد یا زن مسلمانی را بکند، خداوند تا چهل شبانه‌روز نماز و روزه او را قبول نمی‌کند، مگر این که برای کسی که غیبتش را کرده، طلب مغفرت کند.

یعنی هم از خدا برای گناهی که کرده عذرخواهی بکند و هم از کسی که غیبتش را کرده، طلب مغفرت کند. همچنین پیامبر (صلی الله و علیه و آله) فرمودند:

يَا أَبَاذَرٍّ إِيَّاكَ وَ هِجْرَانَ أَخِيكَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرَانِ؛^{۱۳} مبادا با دوستت قطع رابطه کنی، وقتی دو مسلمان با هم قطع رابطه می‌کنند، عبادتشان قبول نیست.

امروزه این مشکل، بسیار به چشم می‌خورد؛ خواهر با خواهر، برادر، فامیل با هم، همسایه با هم و... سر مسئله‌ای با هم قطع رابطه می‌کنند. بنابراین، عبادتشان محل اشکال است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلَى آخِيهِ سُوءًا؛^{۱۴} خداوند عبادت مؤمنی را که در دلش به مسلمانی سوءنیت دارد، قبول نمی‌کند.

باید موفقیت، عزت و سلامت دیگران را بخواهیم. عبادت اسلام، از بقیه زندگی جدا نیست، به همه مسائل زندگی گره خورده است.

۶. شرط خانوادگی

قبولی عبادت، شرط خانوادگی نیز دارد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) فرمود:

مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا ... وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ؛^{۱۵} اگر مردی همسری دارد که او را اذیت می‌کند، نه نماز او و نه هیچ عمل خوب او قبول نمی‌شود. مرد هم همین طور است (اگر همسرش از او راضی نباشد، نه عبادتش، نه نمازش و نه کار خوبش قبول نمی‌شود).

شاه کار اسلام در این جا جلوه‌نمایی می‌کند. اسلام مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را به عبادات گره زده است. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند:

مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً؛^{۱۶} اگر کسی به صورت پدر و مادر نگاه خشم‌آلود کند، گرچه والدین بد کردند، عبادات او قبول نمی‌شود.

هم چنین در روایات آمده: اگر زنی تمام عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رود، مال فراوانی را در راه خدا انفاق کند، اما شوهرش راضی نباشد، عبادتش قبول نیست.

^{۱۲}. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۲۲.

^{۱۳}. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

^{۱۴}. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۹.

^{۱۵}. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار (چاپ بیروت)، ج ۷۳، ص ۳۶۳؛ أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۱۰.

^{۱۶}. کافی (چاپ دارالحدیث)، ج ۴، ص ۶۵.

هم چنین مطابق روایات اسلامی اگر مردی همه عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رفته باشد و سال‌های بسیاری را در جهاد حضور پیدا کرده باشد، اما همسرش از او راضی نباشد، عبادتش قبول نیست.^{۱۷} قبولی نماز به طور خاص و عبادات به طور عام، موضوع بسیار مهمی است. نباید از این مسئله غافل باشیم.

دوره آموزش آداب و اسرار نماز - ستاد اقامه نماز
سامانه آموزش مجازی مهدویت

^{۱۷}. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص: ۴۱۴